**از شاهراه فلسفه/ درنگی فلسفی در ضرورت ظهور مهدی(عج)**

**یثربی، سید یحیی**

بایستگی ظهور امام زمان(عج)از طرفی چند قابل اثبات‏ است.در این میان و در کنار ادله نقلی و کلامی،براهین‏ فلسفی نیز می‏تواند در جهت اثبات این امر،راهگشای اهل‏ نظر باشد.مقاله حاضر،به صورتی اجمالی به این موضوع‏ اهتمام می‏ورزد.

دکتر سید یحیی یثربی

ضرورت ظهور حضرت مهدی(عج)را علاوه بر مبانی نقلی و کلامی، براساس مبانی فلسفی نیز می‏توان تبیین کرد.توضیح مبانی فلسفی‏ ضرورت ظهور یا به عبارت دیگر توضیح ضرورت ظهور آن حضرت‏ براساس اصول و قواعد فلسفی،نیاز به مجال و فرصتی دارد که بیش‏ از حد یک یا دو مقاله است.لذا در این مقاله تنها به گزارش کوتاه بحث‏ می‏پردازیم‏1.این ضرورت را براساس مبانی زیر می‏توان تبیین کرد:

ضرورت ظهور از دیدگاه حیات اجتماعی انسان

جامعه انسانی براساس تبعیت عقل از اراده و نگرش ابزای غریزه‏ و تمایلات غریزی به عقل،که حتی مشخصه روشن دنیای متمدن‏ امروز هم به شمار می‏رود،به حکم غریزه و طمع‏ورزی طبیعی خود، به استخدام همنوعانش می‏پردازد.این استخدام و آزمندی در حدی‏ خاص متوقف نشده،جامعه را دچار تنازع و ستم خواهد کرد و تا مرجع‏ تشخیص و داوری،انسان باشد،همین ستم و تنازع وجود خواهد داشت.آرزوی همه افراد بشر آن است که به جامعه‏ای پالوده از ستم و تنازع دست یابد.ظهور مهدی(عج)،پاسخگوی این نیاز عمیق بشری‏ خواهد بود.به نظر می‏رسد که مبانی این استدلال امروزه روشن‏تر از گذشته قابل درک و لمس باشد.قدرت و نظام بشری که همیشه همراه‏ با شر و فساد بوده،امروزه بیش از پیش این عیب را به همراه دارد.وضع‏ اسفبار کشورهایی چون افغانستان و ملتی مانند ملت فلسطین،در کنار قدرت‏ها و ابرقدرت‏های امروز شاهد صادق و گویایی است بر مشکلات بشر در غلبه به طمع‏ورزی،استخدام و استثمار؛و اگر این‏ استثمار در حوزه محدودی و بین افراد معینی بود،امروزه به سطح‏ بین المللی و روابط دولت‏های نیرومند و ضعیف گسترش یافته است و چشم بشریت در انتظار یک نجات‏بخش غیبی است که با نظام دینی‏ به درمان درد بپردازد.

ضرورت ظهور از جهت تامین سعادت و فضیلت

انسان از تدبیر امور حیات اجتماعی خود،به صورت مطلوب‏ ناتوان است و اگر هم به خوبی از عهده این کار برآید،در تامین‏ سعادت اخروی خود ناتوان است.برای این‏که تسلیم انسان به غرایز و اشتغالش به حیات دنیوی بیشتر مردم را از سعادت اخروی غافل‏ می‏کند.بنابراین برای این‏که همه انسان‏ها،در شرایط مناسب،در فضای توجه به حقیقت و پرستش حق قرار گرفته،حیات دنیوی خود را در مسیر سعادت اخروی قرار دهند،همگانی شدن و گسترش نظام‏ دینی ضرورت دارد.این نظام جز با ظهور یک منجی با شرایط امامت‏ شیعه فراهم نخواهد شد.

ضرورت ظهور از جهت بسط معارف غیبی

انسان در کسب سعادت حقیقی خود،نیازمند حمایت و هدایت‏ آسمانی است.از طرف دیگر این هدایت و حمایت،از جهات مختلف با مشکل و مانع روبه‏رو شده است که اهم آن‏ها عبارتند از:

-اختلاف ادیان و مذاهب،کثرت مدعیان،تعصب ملت‏های مختلف‏ به عقاید موروث خود و دشواری شناخت حقیقت ناب تعالیم آسمانی.

-تحریف در آموزه انبیا و تفسیرهای نادرست از آن‏ها که هرچه‏ بیشتر باعث تفرقه و انحراف شده است.

-اشتغالات مادی و ابتلای بیشتر مردم به غرور و غفلت ناشی از جلوه‏های حیات حیوانی.

بنابراین باید انسان گرفتار در تنگنای حیات مادی،یک بار دیگر با امداد غیبی بر این مشکلات غلبه کرده،راه را از بیراهه باز شناسد.با ظهور امام زمینه برای احیای اسلام و بازگشت به کتاب و سنت آماده‏ شده،شناخت بدعت‏ها و تحریف‏ها و مبارزه با آن‏ها آسان خواهد شد.

دوران غیبت به دلیل رویکرد مادی و دنیایی حیات اجتماعی مردم‏ و نیز به خاطر عادی و روزمره شدن لذایذ مادی،عطش انسان را به‏ معنویت و معارف غیبی،شدت بخشیده و زمینه رویکرد مردم را به‏ حیات معنوی بیشتر می‏کند.یکی از آثار دوران«فترت»همیشه این‏ بوده که پذیرش مردم را از دعوت انبیا آسان کرده است.

ضرورت ظهور براساس یک اصل فلسفی

در فلسفه اسلامی همه بر این باورند که هر حادثه‏ای که شر محض‏ بوده یا شرش از خیرش بیشتر باشد و حتی اگر خیر و شرش مساوی‏ هم باشد،براساس علم،حکمت و قدرت خداوند،تحقق نخواهد یافت. آنچه در جهان امکان تحقق دارد،پدیده و حادثه‏ای است که یا خیر محض باشد و یا این‏که خیرش از شرش بیشتر بوده باشد.2

با در نظر گرفتن این اصل فلسفی،پدیده بعثت انبیا در شرایط کنونی جهان نه تنها باعث خوشبختی اکثریت مردم نشده،بلکه زمینه‏ بدبختی اکثریت مردم را فراهم می‏آورد،برای این‏که با این بعثت، عملا حجت برای مردم تمام شده و آنان مسئول غفلت و یا مخالفت‏ خود خواهند بود.بنابراین بعثت به عنوان یک پدیده،در مقایسه با تاثیر آن در سعادت مردم،به صورت یک حادثه کثیر الشر درآمده است.برای‏ این‏که از میان ادیان مختلف موجود در جهان،دین حق که دین اسلام‏ باشد،تعداد کمتری از نفوس بشری را تحت پوشش تعلیم و تربیت‏ خو گرفته است و از طرف دیگر در داخل خود همین دین اسلام،فرقه‏ حق و مذهب درست و مطابق با کتاب و سنت،تعداد کمتری از پیروان‏ اسلام را به خود اختصاص داده است.از جهت دیگر در داخل همین‏ مذهب بر حق و درست هم تعداد کسانی که دارای اصول اعتقادی‏ مورد قبول بوده و اهل عمل صالح باشند کمترند.بنابراین اگر وضع‏ به همین صورت ادامه یابد،قطعا دین حق و بعثت پیامبر خاتم(ص) یک پدیده کثیر الشر خواهد بود.قطعا چنین فرضی با علم و قدرت و حکمت خداوند سازگار نیست.به همین دلیل باید شرایطی پیش بیاید که تعالیم الاهی برابربا شریعت پیامبر خاتم همه و یا لا اقل بیشتر مردم‏ جهان را دربرگرفته و از سعادت دنیوی و اخروی بهره‏مند سازد و چنین‏ وضعی آن قدر ادامه یابد که از مجموعه انسان‏هایی که در طول تاریخ‏ زندگی کرده و از دنیا رفته‏اند،اهل سعادت و نجات بیش از سزاواران‏ هلاکت و بدبختی باشند.تا در نتیجه آن،دین یک پدیده کثیر الخیر شود و بعثت انبیا با حکمت و علم الاهی سازگار شود و این کار جز با ظهور امام غایب و غلبه بر طاغوت‏های روزگار امکان ندارد.

هم‏اکنون قدرت‏های غربی عملا و آشکارا در برابر اسلام موضع‏ رفته و«جهانی سازی»فکر و فرهنگ و تمدن غرب را هدف‏ تلاش‏های همه‏جانبه و پیگیرشان قرار داده‏اند،طبعا هم در این‏ راه کامیاب خواهند بود.برای این‏که ضعف همه‏جانبه و پراکندگی‏ مسلمانان از طرفی و همبستگی و توانمندی همه‏جانبه غرب از طرف‏ دیگر،به قدرت‏های غربی نوید فتح می‏دهند.

این فتح،در متن حدیث معروف از پیامبر اسلام(ص)به ظهور امام‏ غایب،آشکارا مطرح شده است.در آن حدیث آمده است که«یملا الارض عدلا و قسطلا کما ملئت ظلما و جورا».3

در این حدیث،این تعبیر که«جهان را عدل و داد،چنان بر خواهد کرد که با ستم و تجاوز پر شده بود»صریحابه دو فرهنگ و هنجار جهانی تاکید شده است.پیش از ظهور،نظام ظلم و جور،جهانی‏ خواهد شد و پس از آن،نظام الهی و عدل داد،جانی خواهد شد. پیداست که با جهانی شدن دین اسلام و استمرار آن،بعثت پیامبران‏ (ص)و پیامبر خاتم(ص)و دین خاتم،به صورت یک پدیده کثیر الخیر در می‏آید.و قرن‏ها و قرن‏ها تا قیام قیامت،این حالت حفظ خواهد شد. انشاء اللّه

پانوشت

(1)-برای اطلاع بیشتر،می‏توان به این منبع مراجعه کرد:یثربی،یحیی،فلسفه امامت، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،چاپ سوم 1384.

(2)-ابن سینا:اشارات و تنبیهات،نمط 7،فصل 23.

(3)-ابی داود:سنن،4/104،ابن ماجه،سنن،2/9082.